

مثل کاترین در بلندی‌های بادگیر

گفت‌وگویی اختصاصی با
کاترین وایلر دختر ویلیام وایلر

■ حمیدرضا صدر

«دیدار با کاترین وایلر نماینده جشنواره‌های فالز در تهران طی برگزاری جشنواره فیلم فجر غیرمنتظره بود. وقتی خانم رز عیسی او را به‌عنوان «دختر ویلیام وایلر» معرفی کرد با حیرت به این بانوی شاداب در آستانه هفتاد سالگی نگریستم و وقتی من شروع به پرسش در مورد دادز ورث و بهترین سال‌های زندگی ما و رابطه وایلر با کرگ تولند کردم او هم به سخن درآمد و از پیله مرادوات ملال‌آور جشنواره‌ای درآمد. نتیجه آن دیدار و چند ای‌میل پی‌درپی به این گفت‌وگو منجر شد که می‌توانست در صورت ملاقاتی طولانی‌تر در شرایطی مناسب‌تر، هم چیز دیگری از آب درآید و هم حاوی نکات دیگری باشد. با این وصف به‌عنوان یک شیفته فیلم‌های قدیمی، سعی کردم تا حد امکان از دختر ویلیام وایلر داده‌های جدیدی در مورد استاد کسب کنم.» ▶

Catherine Wylar



عکس: غزاله صدر

خانواده کاملاً سینمایی

در مورد خانواده خود توضیح بدهید. ویلیام وایلر از کجا آمد؟

پدربزرگم، یعنی پدر پدرم، سوئسی بود و مغازه لباس‌فروشی داشت. پدرم سال ۱۹۰۲ در مالهوس که بعداً بخشی از آلمان شد به دنیا آمد. در لوزان در رشته بازرگانی تحصیل کرد و سپس در مدرسه موسیقی کنسرواتوار پاریس به تحصیل در رشته موسیقی پرداخت. ویولنیست قابلی بود. پدربزرگم اصرار داشت او وارد حرفه لباس‌فروشی شود. اما کارل لملی (لمل) بنیان‌گذار استودیوی یونیورسال از همزادهای پدرم بود و پدر را به آمریکا دعوت کرد. او طی دوره کوتاهی در یونیورسال همه‌کار انجام داد، همه‌کار. سال ۱۹۲۳ دستیار کارگردان فیلم معروف *گوژپشت تتردام* با بازی لان چینی شد و سال ۱۹۲۵ اولین فیلمش را ساخت.

فیلم‌های صامت او را دیده‌اید؟

اکثرشان را. اوایل وسترن‌های اکشن دوهزار دلاری می‌ساخت.

در میان فیلم‌های اولیه وایلر کدام‌ها را حائز اهمیت می‌دانید؟

اول *Consular at Law* با بازی جان باریمور که باریمور در آن تند حرف می‌زد. گفت‌وگوهای فیلم شیرین بودند. سپس فیلم *[Good Fairy, ۱۹۳۵]* یک کمدی رمانتیک تماشایی بود. پرستون استرجس فیلم‌نامه‌اش را نوشته بود و مارگارت سالیوان، هربرت مارشال و فرانک مورگان نقش‌های اصلی را بازی کردند.

سالیوان همسر اول پدرتان بود. وقتی او با وایلر ازدواج کرد یکی از ستاره‌های معروف هالیوود به‌شمار می‌رفت. ازدواج‌شان چه قدر دوام آورد؟

کم‌تر از دو سال. بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۶.

پدرتان سال بعد با مادرتان ازدواج کرد. آیا می‌توانیم در مورد مادرتان که در آن دوران بازیگر سینما بود حرف بزنیم؟

البته. او در فیلم‌ها بازی می‌کرد که با پدرم آشنا شد. پدرم او را چندبار به مسابقه تنیس دعوت کرد و بعد از ده روز پیشنهاد ازدواج داد و مادرم هم پذیرفت. بعدها به ما می‌گفت «همیشه شما را از رابطه عجولانه با آدم‌ها بر حذر داشته‌ام ولی خودم خیلی زود پیشنهاد ازدواج پدرتان را پذیرفتم.» اما خب ازدواج‌شان یک عمر دوام آورد. مادرم می‌توانست بازیگر معروفی شود. او یکی از بازیگرانی بود که برای نقش اسکارلت اوهارا در *بربادرفته* مورد آزمایش قرار گرفت و در *آرشیوها* صحنه‌های تست او کنار ویوین لی وجود دارد. پدرم همیشه با خنده می‌گفت: «خدا را شکر که مادرتان را برای بازی در نقش اسکارلت انتخاب نکردند. چون با آن شهرت هرگز همسر من نمی‌شدا!»

مادرتان در چه فیلم‌هایی بازی کرده بود؟ به‌دست‌آوردن اطلاعاتی در مورد او آسان نیست!

مطمئن نیستم نام فیلم‌هایش را شنیده باشی. مثلاً با ایو



شما فیلم‌های دهه ۱۹۴۰ پدرم را موفق‌تر از فیلم‌های دهه ۱۹۵۰ او می‌دانید؟

البته. خصوصاً با نامه، روباه‌های کوچک و بهترین سال‌های زندگی ما. راستی شما چند خواهر و برادر دارید؟

دو خواهر با نام‌های ملانی و جودی و یک برادر، دیوید.

شروع شد که هنری کاستر آن را [در ۱۹۴۱] ساخت. بازیگر اول فیلم دینا دربین بود و چارلز لوتن و رابرت کامینگز هم بازیگران اصلی مرد بودند. مادرم پس از دربین نقش اصلی زن را به عهده داشت.

آیا در فیلمی نقش اول را هم بازی کرده بود؟

مادرم می‌توانست بازیگر معروفی شود. او برای نقش اسکارلت اوهارا در *بربادرفته* مورد آزمایش قرار گرفت. پدرم همیشه می‌گفت «خدا را شکر که مادرتان را برای بازی در نقش اسکارلت انتخاب نکردند. چون با آن معروفیت هرگز همسر من نمی‌شدا!»

فرزند بزرگ خانواده من هستم. کدام یک از خواهران و برادران تان در زمینه سینما فعالیت کردند؟

جودی [متولد ۱۹۴۲]. در مجموعه تلویزیونی *دزدان دریایی* [۱۹۵۶ و ۵۷] چندبار بازی کرد.

بازیگر معروف این مجموعه کی بود؟

رابرت شاول.

خود شما هم در فیلمی از آثار پدرتان ظاهر شدید؟

در دو صحنه کوتاه تعطیلات رمی و بهترین سال‌های زندگی ما. در تعطیلات رمی نقش یک دختر مدرسه ایتالیایی را داشتم.

به‌دنیا آمدن و بزرگ‌شدن در یک خانواده

بله در فیلم *بیگانه طبقه سوم* ساخته بوریس اینگستر [در ۱۹۴۰]. یک فیلم جنایی در مورد خبرنگاری که در دل یک محاکمه جنایی قرار می‌گیرد. نقش خبرنگار را جان مک‌گیور بازی کرد و نقش اول مرد را پیترو لوره. البته مادرم در دو فیلم *ستاره‌های متولد می‌شود* [ویلیام ولمن، ۱۹۳۷] و *زندانی زندا* [جان کرامول، ۱۹۳۷] هم دو نقش کوتاه را بازی کرد. اما پس از ازدواج با پدرم سینما را به کلی کنار گذاشت.

پدر و مادرتان کی ازدواج کردند؟

سال ۱۹۳۸.

... و به‌نظر می‌رسد پس از این ازدواج موفقیت‌های بزرگ به ویلیام وایلر روی آورد. دهه ۱۹۴۰ عصر طلایی وایلر است.



چارلوتن هسسون سر صحنه
 با وایلر. برت لنکسسر
 و بل نیوسن فیلم را رد کردند
 تا هسسون مهم ترین نقش
 همه دوران بازیگری اش را
 در این فیلم بازی کند.

وایلر همراه ناصر ملک مطیعی
 و فردین در ایران



وایلر در هیئت مرد اهل خانواده و سفر. او از هر فرصتی
 برای سفر به اروپا بهره می برد.



تعریف می کرد و جزئیات فیلمنامه را مطرح می کرد.
 می گفت چه بازیگری را در نظر گرفته و برای انطباق
 نقش و این بازیگر چه دشواری هایی پیش رو دارد. مادرم
 نقش کلیدی در فیلم های پدر داشت. زبان انگلیسی
 پدرم چندان خوب نبود و نمی توانست متن ها را سریع
 بخواند. مادرم وظیفه خواندن فیلمنامه ها را به عهده
 داشت و طبعاً نظرش را هم ابراز می کرد. می دانید،
 همیشه گفتم بسیاری از همسرهای کارگردان های
 بزرگ نقش اساسی در زندگی حرفه ای همسرشان
 بازی کرده اند، مثل آلفرد هیچکاک.

بسیار زیادی به پدرم می گذارند و مدام می پرسند
 «حال آقای وایلر چگونه است؟» یا «ایشان مشغول به
 ساختن چه فیلمی هستند؟» دختر وایلر بودن جذاب
 بود، خیلی شیرین.

تصویر ما از ویلیام وایلر مردی بسیار مهربان
 است. من او را در جشنواره بین المللی فیلم
 تهران در اوایل دهه ۱۹۷۰ طی مصاحبه
 مطبوعاتی دیدم. آیا واقعاً همیشه مهربان
 بود؟ دامنه کارش را به خانه نمی کشید؟

همیشه در مورد فیلمهایش حرف می زد. قصه ها را

معروف سینمایی، آن هم هالیوودی، نباید
 عادی باشد. وقتی پدر ویلیام وایلر باشد،
 مادر بازیگر سینما، همسر سابق پدر یک
 ستاره معروف و عموی شما رابرت وایلر
 یک نویسنده و تهیه کننده صاحب نام، باید
 شب و روزهای نامتعارفی را سپری کرده
 باشید. از کی دریافتید شرایطتان با دیگران
 فرق دارد؟

از زمانی که مرا به مدرسه فرستادند. شش هفت ساله
 بودم و می دیدم معلم ها و مدیرهای مدرسه ام احترام



مارکارت نالجت در سال ۱۹۳۸ با وایلر ازدواج کرد و با او خانواده بزرگی را تشکیل داد. او در سال ۱۹۹۱ درگذشت.



وایلر با مارکارت او سالجوان، ستاره مشهور دهه ۱۹۳۰ ازدواج آن‌ها دوامی نداشت. سالجوان پیش از آن همسر هنری فانتا بود و بعد همسر لالاند هموارد تهیه کننده شد.

آثار مورد علاقه

در میان فیلم‌های ویلیام وایلر کدام یک مورد علاقه‌تان هستند؟

اول باید به بهترین سال‌های زندگی ما (۱۹۴۶) اشاره کنم. فیلمی در توصیف مصائب جنگ و تأثیرات سیاه‌پوستان آن. رمان معروف مک‌کینلی کانتور را خوانده‌ام؟

خیر.

او سال ۱۹۴۷ قصه‌ای با عنوان افتخار برای من را

کند. او سرانجام ما را ترک کرد و با به نیروی هوایی گذاشت. می‌گفت به عنوان یک اروپایی هم که شده باید با هیتلر و نازی‌ها بجنگد. مادرم بود که جایزه او برای خانم مینیور (۱۹۴۲) را در مراسم اسکار دریافت کرد. صحنه ملاقات فردریک مارچ از جنگ‌برگشته و میرنا لوی در بهترین سال‌های زندگی ما از چگونگی ملاقات پدر و مادرم پس از بازگشت پدر از جنگ شکل گرفته بود. مادرم در یکی از اتاق‌های هتل پلازای نیویورک حضور داشت که پدرم وارد شده و هر دو در طول راهرو بلند و کم‌عرض هتل به‌سوی هم دویدند. مارچ و لوی

چاپ کرد، در مورد سربازان و افسرانی که از جنگ آدوم جهانی به خانه برگشته بودند. مک‌کینلی در جوانی‌اش مصاحبه‌های فراوانی با سربازانی که در جنگ‌های داخلی (آمریکا) شرکت کرده بودند انجام داده بود و جنگ را خوب می‌شناخت. کتاب او با نام یادآوری طولانی یکی از بهترین رمان‌های واقع‌گرایانه مربوط به جنگ‌های داخلی است. کتاب اندرسن ویل او هم توصیفی تکان‌دهنده از زندان‌های خوفناک جنگ‌های داخلی به‌شمار می‌رود. پدرم شایسته کارهای او بود. پدرم با آغاز جنگ دوم اعلام کرد می‌خواهد در جنگ شرکت

هم در فیلم در راهرو طولی روبه‌رو می‌شوند و به‌سوی هم می‌روند؛ صحنه‌ای که بسیار تأثیرگذار است.

عنوان فیلم را بسیار دوست دارم. هر کس به بهانه‌های و به‌نشکلی، بخشی از عمرش را هدر داده و همیشه با حسرت از «بهترین سال‌های از دست‌رفته‌اش» یاد می‌کند.

این عنوان در گفت‌وگویی بین دو شخصیت اصلی کتاب و فیلم هم مورد اشاره قرار می‌گیرد. جایی است که ویرجینیا مایو نامزد خسته و به‌تنگ‌آمده دانا اندروز به او می‌گوید: «فکر می‌کنی این سال‌هایی که نبودی چه می‌کردم؟» و اندروز با حزن جواب می‌داد: «می‌دونم عزیزم، ولی می‌تونم حدس بزنم.» و زن با تلخی می‌گفت: «سعی کن حدس بزنی. من هم می‌تونم حدس بزنم در لندن و پاریس و سایر جاها چه می‌کردی؟ من به تو فرصت دادم چیزی بشی. وقتی از من خواستی کارمو کنار بگذارم، کنار گذاشتم. من بهترین سال‌های زندگی‌مو را از دست دادم.» راستی این فیلم سال ۱۹۹۵ در برنامه ویژه‌ای به مناسبت پنجاه سالگی پایان جنگ جهانی دوم به نمایش درآمد و باز هم مورد استقبال قرار گرفت.

فیلم‌های دیگر مورد علاقه‌تان کدام‌ها هستند؟

بی‌تردید بلندی‌های بادگیر [۱۹۳۹]. پدر و مادرم شیفته قصه امیلی برونته بودند و به همین دلیل هم نام مرا کتی [کاترین] گذاشتند. شخصیت اول اثر برونته، کتی نام داشت که نقش او را در فیلم، مرل اوبرون بازی کرد. جوان که بدم دنبال هیت کلیف خود می‌گشتم. شخصیت اول مرد بلندی‌های بادگیر که در فیلم وایلر نقش او را لاورنس الیویه بازی کرد.

...پیدایش کردید؟

البته

در توصیف بن‌هور

توضیح می‌دادند.
برای نقش بن‌هور چه کسانی نامزد شده بودند؟

اول برت لنکستر که گفت خشونت قصه را دوست ندارد. پل نیومن هم در نظر گرفته شد ولی نیومن گفت نمی‌تواند آن جامه‌ها را به تن کند. نام راک هادسن را هم در این زمینه به یاد می‌آورم. ده‌ها بازیگر ایتالیایی، از آن‌هایی که اندام قهرمانانه و تماشایی داشتند، بارها به خانه‌مان آمدند. اما خوب آن‌ها به دلیل لهجه‌شان با مشکل روبه‌رو بودند. پدرم سرانجام چارلتون هستون را که پیش‌ترها در سرزمین بزرگ [۱۹۵۸] کار کرده بود برای نقش بن‌هور برگزید.

آیا چارلتون هستون ارایه‌رانی بلد بود؟

البته که خیر! او چهار هفته تحت آموزش چند کارشناس بود تا ارایه را با آن کیفیت به حرکت درآورد. ولی استفن بوید ارایه‌رانی را در دو هفته آموخت، در حقیقت مجبور شد؛ چراکه خیلی دیر برای بازی در آن نقش انتخاب شد.

در میان بازیگرها کسی از افراد خانواده وایلر حضور نداشت؟

خیر، ولی نقش حضرت مسیح را کلود هیتز دوست نزدیک پدرم بازی کرد. تصویر او را برای چند ثانیه روی پرده می‌بینید و نامش هم در عنوان بندی نیامده. می‌دانید که عنوان آمریکایی فیلم اول این بود: بن‌هور: یک قصه از مسیح. اما در فیلم عمدتاً واکنش چهره دیگران را در برابر مسیح می‌بینیم، نه خود او را.

آیا حقیقت دارد که یکی از بدل کارها طی فیلم‌برداری فصل ارایه‌رانی کشته شد؟

خیر.

آیا ویلیام وایلر و اطرافیانش تصور می‌کردند بن‌هور با آن توفیق حیرت‌انگیز روبه‌رو شود و یازده جایزه اسکار کسب کند؟

پدرم پیش از بن‌هور، فیلم تاریخی آن هم با این

چارلتون هستون در بن‌هور به برداشت ۲۷ تایی اشاره کرده لاورنس الیویه به برداشت ۳۴ تایی در یک صحنه بلندی‌های بادگیر، اما احتمالاً رکورد در دست بتی دیویس و ثبت ۴۸ برداشت است؛ در دوره‌های پدر را «وایلر ۹۰ برداشتی» می‌خواندند.

مقیاس نساخته بود. بن‌هور برایش مبارزه جدیدی به‌شمار می‌رفت. می‌خواست نشان دهد از عهدۀ ساختن فیلم‌های غول‌آسا و پرخرج هم برمی‌آید. می‌خواست در همه ژانرهای سینمایی طبع آزمایی کند. او زمانی ساختن یک فیلم تاریخی پرخرج را پذیرفت که می‌دانست می‌تواند همه جزئیات را کنترل کند. او یک کمال‌گرا بود و می‌دانست با چه طرح بزرگی روبه‌رو است. وقتی با به هالیوود گذاشته بود به‌عنوان دستیار سوم کارگردان در نسخه صامت بن‌هور کار کرده بود. جمله‌ای از آن فیلم همیشه با او به یادگار مانده بود. ظاهراً در آن فیلم وظیفه کنترل سیاهی لشگرها را هم داشته و دائماً سر آن‌ها داد می‌زده: «صاف بایستید و مشعل را بالا نگه دارید.» او بعدها طی دوران کودکی

این جمله را در اشاره به این‌که وظایفمان را خوب انجام دهیم به ما می‌گفت.

روش او برای کنترل همه‌چیز در صحنه‌های بزرگ بن‌هور چه بود؟

موتورسیکلت! همیشه سوار بر یک موتور صحنه را دور می‌زد. عاشق موتورسواری بود.

اسکارها، مجسمه‌های اسکار ویلیام وایلر کجا هستند؟ تعدادشان برشمار است.

ما چهار برادر و خواهر هستیم و سه [مجسمه] اسکار در اختیار داریم.

در مورد این‌که اسکارها به کدام فیلم‌ها تعلق دارند توضیح دهید.

خانم مینیور [۱۹۴۲]. بهترین سال‌های زندگی ما [۱۹۴۶] و بن‌هور [۱۹۵۹]. بنابراین باید به مصالح‌های دست می‌یافتیم. در حال حاضر مجسمه اسکار مربوط به بهترین سال‌های زندگی ما را من در اختیار دارم. در میان فیلم‌های پدر این فیلم را دوست دارم و همیشه از آن به عنوان یک شاهکار یاد کرده‌ام؛ فوق‌العاده است.

محبوب بازیگرها

وایلر را یکی از کارگردان‌های محبوب بازیگرها می‌خوانند. بسیاری از بازیگرها بهترین بازی‌هاشان را در آثار او ارائه داده‌اند.

گریگوری پک می‌گفت: «همه بازیگرها عاشق وایلر هستند، چون می‌دانند احتمالاً اسکاری برای‌شان به ارمان می‌آورد.»

بتی دیویس در یکی از مستندهایی که درباره‌اش ساخته بخش مفصلی را به وایلر اختصاص داده و از او ستایش می‌کند. جایی می‌گوید: «اگر وایلر از من می‌خواست بپرسم تو رود هادسن باافاصله می‌پریدم.»

تصور می‌کنم دیویس با فیلم‌های پدر ستاره بزرگ هالیوود شد. به جزلی، روپاه‌های کوچک و نامه اشاره می‌کنم، اما بگذار به یک درگیری تمام‌بندنی آن‌ها هم اشاره کنم. جایی در پایان نامه است که دیویس خطاب به شوهرش می‌گوید: «هنوز از ته دل مردی را که کشتم دوست دارم.» پدر این صحنه را به صورتی گرفته که دیویس به چهره مردی که نقش شوهرش را بازی می‌کند نگاه کرده و این جمله را به زبان می‌آورد. درحالی‌که دیویس اعتقاد داشت باید صورتش را برگرداند و این جمله را ادا کند. آن دو تا آخر عمر سر این صحنه بحث داشتند و پدر می‌گفت: «چی می‌گی بتی، می‌خواهی بریم دوباره این صحنه رو بگیریم؟» اما همه بازیگرانی که در فیلم‌های او ظاهر شده‌اند از او ستایش کرده‌اند. هم‌شان، گریگوری پک، چارلتون هستون، لاورنس الیویه و باربارا استرایسند. راستی استرایسند اولین فیلمش دختر مسخره [۱۹۶۸] را برای پدرم بازی کرد.

امیدوارم شما به مهم‌ترین کشف بازیگری ویلیام وایلر اشاره کنید، نه من!

... بله او بود که ادوی هپبرن را برای بازی در نقش شاهزاده‌خانم تعطیلات رمی [۱۹۵۲] برگزید. چه انتخاب فرخنده‌ای.



زبان انگلیسی پدرم چندان خوب نبود و نمی‌توانست متن‌ها را سریع بخواند. مادرم وظیفه خواندن فیلم‌نامه‌ها را به عهده داشت و طبعاً نظرش را هم ابراز می‌کرد. همسر بسیاری کارگردان‌های بزرگ در زندگی حرفه‌ای‌شان نقش اساسی بازی کرده‌اند، مثل آلفرد هیچکاک.

در راه پدر

تهیه‌کننده دو فیلم بلند سینمایی هم بوده‌اید که هیچ یک را ندیده‌ام. چه فیلم‌هایی بودند؟

زیبای ممفیس سال ۱۹۹۰ ساخته شد. قصه‌اش نوشته مونتگومری مریک در مورد آخرین عملیات خلبان‌های جوان در دوران جنگ دوم جهانی در اروپا بود. «زیبای ممفیس / ممفیس بل» نام آن هواپیمای جنگی بود. مایکل کاتن جونز کارگردانش بود و متیو مادین، آریک استولتس و بیلی زین در آن بازی کردند. ایده فیلم را از سفرهای جنگی پدرم طی جنگ دوم جهانی گرفته بودم. فیلم *Hot on the Trail* هم سال ۱۹۹۳ توسط اوپوا اسلین ساخته شد. کسی که سال ۱۹۸۶ فیلم مستندی در مورد پدرم ساخت. او از مستندسازان شاخص زن در آمریکا است.

چند سال پیش مستندی در مورد پاپ ساختید که مورد استقبال قرار گرفت.

بله، فیلمی با عنوان شاهدهی بر امید: زندگی کارول و ویتالیا، پاپ ژان پل دوم را سال ۲۰۰۲ ساختیم. کارگردانش جویدیت دونان است.

... که او هم مؤنث است. دلیل خاصی دارد که با خانم‌ها پیش‌تر کار می‌کنید؟

به یک دلیل بسیار ساده. وقتی اکثر درها را روی خانم‌ها می‌بندید، اگر شرایطی برای فعالیت آن‌ها مهیا کنید می‌توانید صداهای تازه بشنوید. ▶

بله بگویم مرد افتاده‌ای بود، بسیار افتاده و مثل بسیاری از هم‌تاهایش نمی‌خواست و نمی‌توانست اهمیت خود و آثارش را به رخ بکشد. شاید برای همین با این‌که فیلم‌هایش بسیار معروف هستند نامش حتی در آمریکا هم برای خیلی‌ها که آثارش را دیده‌اند چندان آشنا نیست. هنوز هم با افرادی که ویلیام وایلر و بیلی وایلدر را قاطی می‌کنند روبرو می‌شوم و معمولاً می‌گویم: «وایلر همانی است که بن‌هور را ساخته» و آن‌ها هم معمولاً می‌گویند «اوهم، بله او را می‌شناسیم».

می‌توانید نمونه‌هایی از فیلمسازی که خودشان توانستند نام و آثارشان را مطرح سازند [Self-Promoter] نام ببرید؟

بله، آلفرد هیچکاک، بیلی وایلدر یا هوارد هاکس. آن‌ها، هم فیلمسازان خوبی بودند و هم کسانی که می‌دانستند چگونه نام خود و اثرشان را به رخ بکشند.

ویلیام وایلر در سال ۱۹۸۱ سه روز پس از انجام مصاحبه‌ای که شما با او انجام دادید درگذشت. نمی‌خواست دوباره فیلمی بسازد؟

با خنده می‌گفت: «دیشب کابوسی دیدم. کابوس این که در حال ساختن فیلم دیگری هستم.» بخش‌هایی از این مصاحبه را در مستندی (با عنوان ساخته ویلیام وایلر) آورده‌ام. اما در همه آن سال‌ها دوربین هشت میلی‌متری در دست داشت و فیلمبرداری می‌کرد. می‌گفت: «حرفه‌ای‌ای هستم که آماتور شده‌ام».

به کمال گرایی وایلر اشاره کردید. واقعاً تعداد برداشت‌هایش تا آن حد که روایت می‌کنند پرشمار بود؟

بله. چارلتون هستون در بن‌هور به برداشت ۲۷ تایی اشاره کرده، لاورنس الیویه به برداشت ۳۴ تایی در یک صحنه بلندی‌های بادگیر، اما احتمالاً رکورد در دست بتی دیویس و ثبت ۴۸ برداشت است؛ در دوره‌ای پدر را «وایلر ۹۰ برداشتی» می‌خواندند.

آیا وایلر از بازیگرهایش به تلخی یاد نکرده؟ هر چه باشد همیشه خوب و مهربان بودن آسان نیست.

فقط می‌توانم به فرانسیس فارمر اشاره کنم. تنها بازیگری بود که پدر دل خوشی از او نداشت.

به فیلم‌های آخر وایلر برگردیم، به کلکسیونر. به اعتقاد شما وجوه روان‌شناسانه آن درآمد؟

تصور می‌کنم بله. پدر به ترنس استامپ گفته بود در پشت صحنه هم با سامانتا ایگار حرف نزنند. نمی‌خواست با هم معاشرت کنند و دوست شوند. به دنبال آن بود که چهره ایگار در هر نما بیگانگی و بیم را نشان می‌دهد. آن‌ها دو نفری اوایلر و استامپ، ایگار را در سراسر فیلمبرداری آزار و شکنجه دادند.

چرا مؤلف نشد؟

احتمالاً با این پرسش بارها روبرو شده‌اید: آیا این‌که ویلیام وایلر، فیلمساز مؤلف قلمداد نشد، اهمیت کارهایش را در مقایسه با مؤلف‌ها کاهش نداد؟

خیر، تصور نمی‌کنم. کارگردان‌های بزرگ لزوماً آن‌هایی نبوده‌اند که مؤلف قلمداد شده‌اند. آیا ملال آور نبود که همه فیلمسازها فقط یک مایه یا مسیر را در فیلم‌هایشان دنبال می‌کردند؟ آثار پدرم را هنوز جذاب می‌یابم و به‌عنوان کسی که درگیر سینما هستم می‌دانم با چه مرارت و علاقه‌ای پا به ژانرهای مختلف گذاشت. اجازه